

بررسی موانع تحقق برخی از آرمان‌های انقلاب اسلامی با رویکرد تطبیقی جمهوری اسلامی با حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام

عادل فرساد دوست^۱

طه یوسفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۷

چکیده

انقلاب‌هایی که به وجود می‌آیند به لحاظ آرمان‌هایی که دارند به دو نوع تقسیم می‌شوند: انقلاب‌هایی که آرمان‌شان فقط دنیوی می‌باشد و انقلاب‌هایی که آرمان‌شان رفاه مادی و سعادت اخروی می‌باشد. حکومت پنج ساله امیرالمؤمنین علیه السلام و جمهوری اسلامی از نوع دوم می‌باشد؛ اما وقتی تاریخ حکومت علوی مورد پژوهش قرار می‌گیرد مشخص می‌شود که برخی از آرمان‌های اسلامی در دوران ایشان تحقق نیافته است. در جمهوری اسلامی هم علیرغم پیشرفت‌های فراوان؛ اما هنوز برخی از اهداف انقلاب تحقق نیافته است. در این نوشتار با تطبیق دوران حکومت علوی با جمهوری اسلامی، موانع عدم تحقق آرمان‌های اسلامی بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی

آرمان، موانع، حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، جمهوری اسلامی.

مقدمه

انقلاب‌هایی که به وجود می‌آیند به لحاظ آرمان‌هایی که دارند به دو نوع تقسیم می‌شوند: انقلاب‌هایی که آرمان‌شان فقط دنیوی می‌باشد و انقلاب‌هایی که آرمان‌شان رفاه مادی و سعادت اخروی می‌باشد. نوع اول به دو دسته تقسیم می‌شود که در مجموع می‌شود سه

۱. سطح چهار تخصصی کلام تطبیقی از مؤسسه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول).

۲. مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله.

دسته؛ در ذیل به طور مختصر توضیح داده می‌شود:

نخست: انقلاب‌هایی که آرمان عالی و اولیه آنها نیل به یک جامعه بی‌طبقه - جامعه‌ای که در آن مساوات اقتصادی نمود کامل داشته باشد - است. تحولات انقلابی رخ داده در کشورهای مارکسیستی را می‌توان در این قسمت جای داد.

دوم: انقلاب‌هایی که تاسیس یک جامعه مبتنی بر آزادی فردی و رفاه شخصی را آرمان متعالی خود برگزیده‌اند و هر آنچه را که به نحوی در تقابل با این آزادی افسار گسیخته باشد به کناری می‌نهند. جوامع به اصطلاح لیبرال چنین فرآیندی را پشت سر گذاشته‌اند و هم اکنون سعی دارند در قالب شعارهای انسان دوستانه، کالاهای فرهنگی خود را به دیگر کشورها صادر نمایند.

سوم: انقلاب‌هایی که اصل را بر تربیت «انسان‌های الهی» گذرانده‌اند و تأسیس یک جامعه خداپسند را آرمان عالی خود قرار داده‌اند (افتخاری، ۱۳۷۶ش: شماره ۱۹۰). در این انقلاب‌ها تأمین معاش دنیوی و آسایش عمومی مهم و مدنظر مسئولین هست اما هدف نهایی نیست - به خلاف دو انقلاب قبلی - بلکه مقدمه‌ای است برای تکامل معنوی و سعادت اخروی. نمونه این انقلاب‌ها حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و در عصر حاضر جمهوری اسلامی ایران هست.

آرمان‌های انقلاب اسلامی که همان آرمان‌های اسلام هست عبارتند از: تربیت انسان‌های متعالی، اجرای عدالت، امنیت، محرومیت‌زدایی، رفاه اجتماعی و... بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد، با وجود پیشرفت‌های فراوان در این مدت نه چندان طولانی، در زمینه‌های مختلف، اما هنوز برخی از اهداف انقلاب اسلامی تحقق پیدا نکرده است. از طرف دیگر مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را به ستوه آورده و برخی را ناراضی نموده و موجب شده است، نسبت به انقلاب و آرمان‌های آن سست شوند. در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که چه موانعی موجب شده تا انقلاب اسلامی به طور کامل به اهداف خود نرسد؟

جواب این سؤال، با بیان یک مقدمه کوتاه داده می‌شود:

امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند برومندش امام حسن علیه السلام در مورد اهمیت مطالعه تاریخ و عبرت‌گیری از آن می‌فرماید:

پسرم درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام؛ اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آن‌جا که گویا یکی از آنان شده‌ام بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا آخر عمرشان با آنان بوده‌ام (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش:

مقام معظم رهبری نیز در مورد اهمیت مطالعه تاریخ می‌فرماید:

تاریخ چیز مهمی است. تاریخ را به عنوان یک چیز کوچک و حاشیه‌ای نباید خیال کرد، تاریخ واقعا مهم است. تاریخ، درس و گنجینه اطلاعات ما از گذشته بشریت است (پایگاه خبری مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۸).

در این مقاله با مطالعه برگگی از تاریخ با عنوان موانع و مشکلات حکومت علوی، موانع بر سر راه جمهوری اسلامی در رسیدن به اهدافش، بررسی می‌شود، تا با شناخت موانع و رفع آنها انقلاب اسلامی به اهداف خود به طور کامل نائل شود.

در این زمینه تا جایی که نگارنده تحقیق نمود، کتاب و مقاله‌ای نوشته نشده است که تاریخ صدر اسلام را با وقایع انقلاب اسلامی تطبیق کند و علل عدم تحقق اهداف جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

در نوشتار روبرو با بهره‌گیری از متون تاریخی و تحلیل و تفکر عقلی موانعی که در دوران حکومت پنج ساله امیرالمؤمنین علیه السلام موجب عدم تحقق اهداف حکومت علوی شد با موانعی که در جمهوری اسلامی موجب عدم تحقق آرمان‌های انقلاب شد، مقایسه و تطبیق داده شده تا با عبرت گرفتن و رفع آنها ان شاء الله انقلاب اسلامی به همه آرمان‌های خود برسد.

فتنه‌ها و شرایط نامناسب جامعه

پس از عثمان مردم برای بیعت با علی علیه السلام به خانه ایشان هجوم آوردند. یعقوبی می‌نویسد همه مردم بیعت کردند به جز سه نفر از قریش (یعقوبی، ۱۳۷۳ق: ج ۲، ۱۷۸). بنا بر نقلی تمامی شرکت‌کنندگان در بدر که تا آن زمان زنده بودند، با علی بیعت کردند (دیار بکری، بی‌تا: ج ۲، ۲۶۱) امام خلافت را نمی‌پذیرفت در این مورد که چرا امام زیر بار بیعت با مردم نمی‌رفت، سخنان امام گویاتر از هر چیزی است. نخستین مسئله آن بود که امام، وضعیت موجود در جامعه را فاسدتر از آن می‌دانست که بتواند آن را رهبری کرده و معیارها و منویات خود را در آن به اجرا در آورد؛ امام در روز بیعت فرمود:

مرا بگذارید و با کس دیگری بیعت کنید که کاری پیش روی ماست که آن را رویه‌هاست و گوناگون رنگ‌هاست. دل‌ها و عقل‌ها در برابر آن بر جای نمی‌ماند؛ همانا کران تا کران را ابر فتنه پوشیده است و راه راست ناشناسا گردیده؛ و بدانید که اگر من بیعت شما را پذیرفتم با شما

طوری رفتار می‌کنم که خود می‌دانم و به گفته گوینده و ملامت سرزنش‌کننده گوش نمی‌دارم... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۳۶).

احساس امام این بود که در میان این فتنه‌ها نمی‌توان به سلامت، جامعه را رهبری کرد. پس از این که امام احساس کرد از او دست بردار نیستند، با انکار خود خواست تا از مردم این تعهد را بگیرد که از وی پیروی کامل کنند و به آنچه او خواست تن در دهند (جعفریان، ۱۳۸۷ش: ج ۲، ۲۳۱).

حوادث و رخداد‌های بعدی، این تصور امام را که کار کردن در «فتنه» و «شبهه» بسیار دشوار است، روشن کرد. موقعی امام فرمود:

اگر می‌دانستم کار به این حد بالا می‌گیرد از اول در آن داخل نمی‌شدم (بلاذری، ۱۳۹۷ق: ج ۲، ۲۱۳).

زمانی امام علی علیه السلام شخصی را با نام ابومریم در کوفه دید. از او دلیل آمدنش را به کوفه پرسید. ابومریم گفت: به خاطر عهدم با تو آمدم که گفتم اگر بر سر کار بیایم چه و چه خواهم کرد. امام فرمود: من بر عهده خود ایستاده‌ام؛ اما مبتلای به خبیث‌ترین مردمان روی زمین شده‌ام که هیچ به سخن من گوش نمی‌دارند^۱ (ابن الفقیه، بی‌تا: ج ۱، ۲۲۳؛ ثقفی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۶۸).

در انقلاب ما نیز فتنه‌هایی در فواصل سال‌های ۷۸، ۸۸، ۹۸، ۱۴۰۱ به وجود آمد که هر کدام موجب توقف کشور برای مدت مدیدی از کار و فعالیت در زمینه‌های مختلف شد. و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه و مردم وارد نمود. وجه اشتراک همه این فتنه‌ها عبارت است از: افزایش قیمت ارز و طلا، افزایش تحریم‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، شهادت مظلومانه نیروهای انقلابی و نظامی، خسارت معتنا به بیت‌المال، از بین رفتن اموال مردم، امیدواری دشمنان به دسیسه و نقشه علیه نظام، به هم ریختن وضعیت کسب و کار مردم و اوضاع نابه سامان اقتصادی و... .

فتنه ۸۸ نه ماه به طول انجامید و چهره ایران را در جامعه بین‌المللی خدشه‌دار نمود و موجب امیدواری دشمنان و افزایش تحریم‌ها گردید. فتنه ۹۸ موجب خسارت هزاران میلیارد

۱. قدم رجل من اهل المدینه یکنی أبا مریم الکوفه فلقیه علی علیه السلام. فقال: یا ابا مریم ما أقدمک هذه البلاد؟ فقال: ما کانت لی حاجة و لکن عهدی بک و أنت تقول: لو ولیت هذا الامر لفعلت و فعلت. قال: فأنا علی العهد الذی عهدت. و لکنی بلیت بأخبث قوم فی الارض. ما دعوتهم قط الی حق فأجابونی الیه. ولا یدعونی الی امر فأجیبهم الاختلفوا.

تومان به اموال خصوصی و عمومی شد (خبرگزاری فارس، ۹۸/۹/۱۱). فتنه ۱۴۰۱ که از همه فتنه‌های قبلی سهمگین‌تر و پیچیده‌تر بود و کشورهای زیادی در طراحی آن نقش داشتند موجب شهادت مظلومانه تعداد زیادی از بسیجیان و نیروهای نظامی گردید.

تحلیل جنگ توسط دشمنان خارجی

یکی از مشکلات علی علیه السلام جنگ‌هایی بود که علیه ایشان برپا کردند. در مدت حدود پنج سالی که امام حکومت کرد سه جنگ توسط ناکثین، قاسطین و مارقین بر امام تحمیل شد. این جنگ‌ها هزینه‌های زیادی بر حکومت نوپای علی علیه السلام وارد کرد و زمان زیادی را از امام گرفت. و همین امر موجب شد که امام از اجرای اهداف اسلامی باز بماند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات پس از انقلاب هم جنگ هشت ساله تحمیلی بود. که خسارات فراوان مادی و معنوی علیه کشور وارد کرد و مانع شد که انقلاب اسلامی به برخی از اهدافش از جمله محرومیت‌زدایی و رفاه نسبی برای مردم برسد. در این جنگ طبق آنچه برآورد شده است ۶ هزار و ۴۵۹ میلیارد تومان به کشور خسارت وارد شد (روزنامه ایران، ۱۳۹۹/۷/۶). علاوه بر این که بسیاری از خانواده‌ها بی سرپرست شدند و تأمین معیشت آنها - که عزیزان خود را در راه اسلام به انقلاب تقدیم کرده بودند - بار مالی زیادی را بر دوش دولت گذاشت. اینها تنها خسارت‌های مادی است؛ اما خسارت‌های معنوی که خود حدیث مفصل دارد از جوانان مؤمن، متعهد، ولایی انقلابی که هر کدام چقدر می‌توانستند مشکلات کشور را حل کنند و آرمان‌های امام و رهبری را تحقق بخشند. جوانانی که بسیاری از آنان نخبه بودند مانند شهید چمران، باقری، بابایی، همت، خرازی، زین‌الدین، ردانی پور و... شهید سلیمانی که خدمات بی‌شماری به انقلاب و اسلام نمود، و عمر خود را در این راه تقدیم کرد و نه تنها امنیت ایران، بلکه امنیت چندین کشور را تأمین نمود، یکی از همین جوانان مخلص دفاع مقدس بود.

تغییر سبک زندگی مردم

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم زندگی بسیار ساده و زاهدانه‌ای داشتند و این امر موجب می‌شد که سبک بار در جنگ‌ها شرکت، و از اوامر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت کنند و همچنین حضرت با بیان دستورات اخلاقی در مورد برابری و برادری، ایثار و گذشت، انفاق و کمک به محرومین و... روح گذشت و ایثار را در جامعه به وجود آورد و موجب شد مردم همدیگر را برابر و برادر بدانند. و در راه اهداف اسلام ایثار و گذشت مثال‌زدنی و در مقابله با دشمنان استقامتی

ستودنی از خود بروز دهند و روز به روز اسلام به اهداف خود نزدیک‌تر گردد. و نتیجه آن گسترش روز افزون اسلام در تمام شبه جزیره عربستان شد؛ اما پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، خلفا سبک زندگی مردم را تغییر دادند؛ آنها با ایجاد فاصله طبقاتی و دنیاگرایی و رفاه‌طلبی، روح ایثار و از خود گذشتگی را در مردم از بین بردند. و مردم را راحت طلب و دنیاگرا بار آوردند. فاصله طبقاتی از زمان خلیفه دوم شروع شد؛ وی بیت‌المال را به طور نامساوی و براساس سابقه اشخاص در اسلام و ترکیب قبایلی بین افراد تقسیم کرد. - که البته امیرالمؤمنین علیه السلام را از این قاعده استثنا نمود.^۱ همین وضعیت در زمان عثمان بود؛ علاوه بر این که او بذل و بخشش‌های شخصی خود را نیز آغاز کرد و این امر موجب شد تا فاصله میان طبقه غنی و فقیر در جامعه روز به روز بیشتر شود (جعفریان، ۱۳۸۷ش: ج ۲، ۲۴۰). زمانی که خلیفه سوم به رفاه‌گرایی شدید غلطید، همین روحیه در رعایای او نیز ظاهر شده و به تدریج جامعه را از جهت دینی گرفتار مشکل کرد (همان: ۲۴۷).

اینها باعث شد که وقتی علی علیه السلام روی کار آمد و با تأکید بر سیاست خود، فرمود: مبادا فردا کسی بگوید: «حرمانا و منعنا حقوقنا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۴، ۲۰۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲۶، ۷۶؛ کلینی، ۱۳۷۵ش: ج ۱۵، ۷۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۶، ۵۳۶). علی بن ابی طالب علیه السلام ما را از حقوق مان محروم کرد؛ اما باز هم برای اجرای عدالت و تحقق اهداف اسلامی با مشکلات عدیده‌ای روبرو گردد. امام در مورد تغییر سبک زندگی مردم در زمان خلفا فرمود:

بدانید شما پس از هجرت - و ادب آموختن از شریعت - به خوی بادیه نشینی بازگشتید و پس از پیوند دوستی، دسته دسته شدید. با اسلام جز به نام آن بستگی ندارید و از ایمان جز نشان، آن را نمی‌شناسید... بدانید که شما رشته پیوند با اسلام را گسستید و حدود آن را شکستید و احکام آن را به کار نداشتید (شریف‌الرضی، ۱۴۰۱ق: ۲۹۹).

در کشور ما نیز اغلب مردم در اوایل انقلاب زندگی بسیار ساده و زاهدانه‌ای داشتند؛ اما متأسفانه با روی کار آمدن دولت سازندگی و رواج اشرافیت و توزیع نامتوازن منابع در کشور، بی‌عدالتی و تبعیض و فاصله طبقاتی در کشور به وجود آمد. و منجر به ایجاد طبقه غنی و فقیر

۱. به همان دلیلی که فدک را غصب کردند، ایشان را از بیت‌المال محروم نمودند. به این دلیل که حضرت هر آنچه داشت را در راه خدا به محرومین می‌بخشید و این موجب می‌شد که دل‌های مردم به ایشان معطوف گردد. و این امر بر غاصبان خلافت - که می‌خواستند، حضرت را خانه‌نشین کنند تا بهتر به اغراض سیاسی خود برسند - گران می‌آمد. خلیفه دوم مدتی بعد به همین دلیل حضرت را از خمس محروم نمود.

و رواج مصرف‌گرایی در میان قشر غنی و متوسط در جامعه شد. که اینها موجب شد سبک زندگی مردم کم‌کم تغییر کند و چشم و هم‌چشمی و مقایسه زندگی خود با دیگران شیوع پیدا کند. و عده‌ای از داشته‌های خود ناراضی شده و برای رساندن زندگی خود به طبقه مرفه شبانه‌روز تلاش کنند. کم‌کم زمزمه‌های اعتراض در میان مردم به وجود آمد. مردمی که تا دیروز جان خود و عزیزان‌شان را کف دست گذاشته و به انقلاب تقدیم نمودند با دیدن تبعیض و بی‌عدالتی و دیدن زندگی اشرافی برخی از مسئولین، از وضع موجود ناراضی گشتند. و آن روح ایثار و از خودگذشتگی که حضرت روح‌الله علیه‌السلام در جامعه دمیده بود و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و جنگ تحمیلی هشت ساله به اوج خود رسید، جای خود را به خودخواهی و دنیاطلبی و جمع‌در تکاثر اموال و اشرافیت‌گرایی بدهد. نتیجه آن که انقلاب اسلامی از اهداف خود دور شد. در حالی که اگر آن روحیه انقلابی که در مسئولین و مردم در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمده بود ادامه می‌یافت، بسیاری از مشکلاتی که امروز گریبان‌گیر کشور شده است، را شاهد نبودیم.

رفاه‌طلبی و دنیاگرایی خواص

دنیاطلبی خواصی که روزی از یاران خاص پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند، یکی از موانعی بود که موجب شد امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اهداف خود نرسد. اشرافی‌گری سخت آنان را از خود بیخود کرده بود. برای نمونه می‌توان گفت، جنگ جمل محصول آن بود که امام حاضر نشد به طلحه و زبیر سهم بیشتری از بیت‌المال بدهد. به همین خاطر امام طی نامه‌هایی به عمال خویش آنان را از نشستن سر سفره‌های رنگین که در دوره عثمان بسیار طبیعی شده بود، نهی می‌کرد. اگر کلمات امام درباره مذمت دنیا یک جا فراهم آید، کتابی مفصل خواهد شد. نهج‌البلاغه مملو از این قبیل کلمات بوده و این حجم گسترده نشان می‌دهد که امام در این باره اصرار خاصی داشته است. ارائه‌الگوی «انسان با تقوی» در خطبه معروف به «خطبه همام» بدین منظور می‌باشد. امام در برخی از خطبه‌ها به صراحت مردم مخاطب خود را به دلیل دنیاطلبی سرزنش می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۷ش: ج ۲، ۲۴۸-۲۴۹). یاد مرگ از دل‌های شما پنهان گشته (سختی‌های آن را در نظر ندارید) و آرزوهای دروغ شما را فرا گرفته پس دنیا از آخرت به شما بیشتر مسلط گردیده، و دنیای در گذر از آخرت پاینده و برقرار، شما را بیشتر به طرف خود برده است (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۳۵۱).

مقام معظم رهبری به طور مکرر در مورد دنیاگرایی و پرهیز از اشرافی‌گری، سخنانی را با مسئولان بیان نموده‌اند، اما متأسفانه اشرافیت و دنیاطلبی عده‌ای از مسئولینی که جز به اهداف شخصی و حزبی خود نمی‌اندیشیدند، مانع تحقق عدالت در کشور و موجب شیوع اشرافیت و دنیاطلبی در مردم و تغییر سبک زندگی آنها و انحراف از آرمان‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی گردید.

رهبر انقلاب یکی از بلاهای حکومت‌های دنیا را اجتناب نکردن مسئولان از زخارف و زینت‌های دنیا بیان نمودند. (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۳۰). در جای دیگری فرمودند:

اجتناب از اشرافی‌گری در انقلاب ما وجود داشت این را به تدریج بعضی‌ها سعی کردند کم‌رنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد (همان: ۱۳۸۷/۹/۲۴).

تحریف حقایق

تحریف حقایق توسط خلفای سه‌گانه، درد سرهای زیادی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام به وجود آورد. خلفا برای این که علی علیه السلام را خانه‌نشین و جایگاه خود را تثبیت کنند، به تحریف حقایق روی آوردند. اولین اقدام مهم، توسط عمر صورت گرفت و آن منع نقل احادیث نبوی، برای جلوگیری از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام در جامعه بود. نخستین نشانه آشکار مخالفت عمر با کتابت حدیث در آستانه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود که مانع دستور حضرت از نوشتن حدیث ایشان شد (بخاری، بی تا: ج ۱، ۳۴). با بستن باب حدیث بر روی مسلمین به قصه خوانان یهودی و نصرانی اجازه دادند که احادیث جعلی اسرائیلی را بر مردم بخوانند. از جمله اینان کعب الاحبار و تمیم‌داری نصرانی بودند که پس از گسترش اسلام ادعای ایمان کرده بودند (عسکری، ۱۳۹۵ ش: ج ۲، ۵۱). عمر هر هفته قبل از نماز جمعه در مسجدالنبی را، برای سخنرانی اینان اختصاص داده بود و اما عثمان در زمان خلافت خود در هر روز دو ساعت به اینان اجازه سخنرانی می‌داد (همان: ۵۲).

امام علی علیه السلام وقتی به خلافت رسید با نقل آثار یهودیان مخالف نمود. آن حضرت درباره کسی که قصه حضرت داوود علیه السلام را با او را از منابع یهودی نقل کرده بود، برخورد کرده و فرمود: اگر کسی آن را نقل کند، او را حد خواهیم زد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ج ۴، ۲۹۶؛ علم الهدی، ۱۳۷۷ ش: ۹۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ ق: ج ۱، ۲۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ۳۲).

این تحریف حقایق همراه شد با بدعت در دین، و پس از مدتی در جان آنان رسوخ پیدا نمود. به طوری که وقتی امام آنان را از نماز تراویح منع کرد، فریاد واعمره‌ها سردادند و امام به ناچار آنان را رها نمود (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۷۵؛ عاملی، ۱۳۹۱ق: ج ۵، ۱۹۳). آنان با تحریف فضائل امام، بغض و کینه امام را دل مردم انداختند. و عظمت و اقتدار و شخصیتی را که علی علیه السلام - با جان فشانی‌ها و فداکاری‌های شبانه‌روزی در راه اسلام و با سفارشات مکرر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مدح و فضائل ایشان - در میان مردم پیدا کرده بود، از بین بردند. امام در این باره فرمود:

خدا یا من از تو بر قریش و آن که قریش را کمک کند یاری می‌خواهم «فانهم قطعوا رحمی، و صغروا عظیم منزلتی، و اجمعوا علی منازعتی امرا هو لی» آنان رحم مرا بردند و جایگاه عظیم مرا خرد نمودند و در چیزی که حق من بود، با من به ستیز پرداختند (حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ۲۸۱؛ مظفر نجفی، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ۲۹۰؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۰، ۱۳۲).

این سخن امام اشاره به سیاست خلفا در تحریف حقایق و تحقیر شخصیت امام می‌باشد. اینها موجب شد که امیرالمؤمنین علیه السلام از چشم‌ها بیفتد. و چنان که باید و شاید از دستورات او اطاعت نکنند چنانچه حضرت به ۲۰ بدعتی که خلفا به وجود آوردند و امام نتوانست آنها را از بین ببرد، اشاره می‌کند (کلینی، ۱۳۷۵ش: ج ۸، ۵۸-۶۳). علاوه بر این که شورای خلافت که عمر پس از خود طراحی کرد، کاملاً حساب شده بود برای این که اگر روزی خلافت به علی علیه السلام برسد، اعضای شورا که عمر آنان را هم‌تراز با علی قرار داده بود، خود را هم‌سنگ علی علیه السلام بدانند و در مقابل او قد علم کنند، چنانچه این‌گونه هم شد؛ هیچ یک از اعضا شورا نه تنها علی علیه السلام را در اهداف حکومت یاری نکردند، بلکه خاری شدند در چشمان علی علیه السلام. به عنوان نمونه طلحه و زبیر (از اعضای شورا) که علی علیه السلام را مستحق‌تر از خود در خلافت نمی‌دانستند، و به طمع پست و مقام با امام بیعت کردند، جنگ جمل را علیه امام برپا نمودند.

ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند شورا موجب شد تا هر یک از اعضای شورا به هوس خلافت بیفتند. طلحه در انتظار خلافت می‌بود. زبیر هم به او کمک می‌کرد و هم خود را لایق حکومت می‌دید. امید آنان به خلافت بیش از امید امام علی علیه السلام بود. دلیلش آن بود که شیخین او را از چشم مردم ساقط کرده و به ناموس او بی‌حرمتی کرده و حرمت او را در میان مردم شکسته بودند. به همین جهت او کاملاً فراموش شده بود. بیشتر کسانی که فضایل او را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شناختند، از دنیا رفته بودند و نسلی به وجود آمده بود که او را همانند سایر

مسلمانان می‌دانست. از فضائل او تنها همین مانده بود که پسر عموی پیامبر ﷺ، همسر دختر او و پدر نوادگان او است. باقی امور فراموش شده بود (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۲۸). ابن ابی الحدید پس از اشاره به این نکته که مردم در صفین منتظر بودند تا حضور عمار را در یک جبهه معیار حقانیت آن جبهه بدانند می‌گوید: تعجب از مردم است که عمار را به عنوان ملاک حق و باطل می‌پذیرند؛ اما خود علی علیه السلام را که پیامبر ﷺ در مورد او فرموده: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، لایحکبک الا مومن و لا یبغضک الا منافق، را معیار حق قرار نمی‌دهند! دلیل این مطلب آن است که تمامی قریش از همان ابتدا در پوشاندن فضائل او، فراموش کردن یاد او، محو خصایص او و حذف جایگاه والای او از سینه‌های مردم تلاش فراوان کردند (همان: ج ۸، ۱۷).

یکی از موانع بزرگ در رسیدن انقلاب به اهدافش نیز، تحریف حقایق توسط دشمن می‌باشد. که به طور کلی در چند محور می‌باشد:

۱. وارونه نشان دادن چهره منحوس پهلوی: مقام معظم رهبری در این زمینه فرمودند: «سعی می‌کنند چهره خاندان خبیث و منحوس پهلوی را بزرگ کنند، آرایش کنند» (پایگاه مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷):

۲. سیاه‌نمایی در مورد انقلاب و دستاوردهای آن و بزرگ‌نمایی مشکلات کشور؛

۳. پوشاندن نقاط ضعف و مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دول غربی و بزرگ‌نمایی نقاط قوت آنان؛

۴. بزرگ کردن چهره آمریکا: مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «یک عده‌ای سعی نکنند چهره آمریکا را بزرگ کنند، آرایش کنند، زشتی‌ها و وحشت‌آفرینی‌ها و خشونت‌ها را از چهره آمریکا بزدایند، در مقابل ملت ما، به عنوان یک دولت علاقمند، انسان دوست معرفی کنند» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹).

که متأسفانه این تحریف حقایق با کوتاهی مسئولین داخلی در نشر حقایق، مشکلاتی را در کشور ایجاد کرده و موجب برخی آشوب‌های خیابانی شده است.

این تحریف حقایق پس از این که همه طرح‌های دشمن در براندازی شکست خورد و دشمن به این نتیجه رسید که تنها راه براندازی این است که مردم از نظام برگردند، و خود علیه حکومت بشورند، شدت عمل بسیار بیشتری به خود گرفته است. به همین خاطر دشمن تمام توان خود را برای تغییر ارزش‌های انقلاب و اسلام و جدا کردن مردم از امام و رهبری بکار گرفته

است. لذا مقام معظم رهبری به طور مکرر در این چند سال اخیر بحث جهاد تبیین را مطرح نمودند (پایگاه خبری مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۵/۵). که متأسفانه هنوز مسئولین اهمیت این موضوع را درک نکرده و کار دندان‌گیری برای مقابله با این ترفند دشمن انجام نداده‌اند، هرچند که رهبری عزیز جهاد تبیین را وظیفه آحاد مردم، بالأخص خواص جامعه برشمردند. در همین جا باید متذکر شد که اگر جهاد تبیین توسط مسئولین و مردم و خواص صورت نگیرد، ضررهای غیرقابل جبرانی به کشور وارد خواهد شد و انقلاب اسلامی را در رسیدن به اهدافش دچار مشکلات جدی خواهد کرد. همان طور که نوه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را با تبلیغات دروغین مرتد و خارجی دانسته و به مذبح بردند و یزید فاسق شراب‌خوار میمون‌باز را امیرالمؤمنین خطاب نمودند. چنانچه در همه آشوب‌هایی که در این سال‌های اخیر اتفاق افتاد عامل اصلی دروغ و تحریف حقایق توسط رسانه‌های معاند بود.

بی‌بصیرتی خواص، فریب مردم و تحمیل مذاکره

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در زمان حکومت علی علیه السلام ماجرای حکمیت و تحمیل مذاکره با معاویه بود؛ به طور خلاصه وقتی معاویه در جنگ صفین در معرض شکست قرار گرفت و مالک اشتر به چند قدمی خیمه معاویه رسیده بود، با حيله عمرو عاص قرآن‌ها را سر نیزه کردند و با فریب عده‌ای (خوارج) از سپاه امام علی علیه السلام، از شکست حتمی نجات پیدا کردند. قرار شد نمایندگان دو طرف به مذاکره (حکمیت) بنشینند. امام علی علیه السلام اصرار داشت که نماینده آنان مالک اشتر یا ابن عباس باشد؛ اما با پافشاری خوارج ابوموسی اشعری ساده‌لوح برای مذاکره با عمرو عاص حيله گر انتخاب شد. امام او را سفارش بسیار کرد که به دشمن خود اعتماد نکند و به او خوشبین نباشد؛ اما او به هیچ یک از نصایح امام توجهی نکرد. لذا با فریب ابوموسی توسط عمرو عاص حکمیت شکست خورد و در پایان، خوارج مسئول تمام مشکلات را، امام علی علیه السلام - که حکمیت را به اصرار خوارج پذیرفته بود - دانستند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ۲۰۶).

اگر خواص به وظیفه خود در بصیرت‌افزایی عمل کرده بودند و مردم نیز از امام علی علیه السلام اطاعت می‌کردند، با شکست معاویه که حتمی بود، سیر تاریخ عوض می‌شد. امام حسن علیه السلام نیز که چند صباحی حکومت اسلامی را به دست گرفت به خاطر خیانت خواص و عدم همراهی مردم، مجبور به واگذاری حکومت (صلح) به معاویه شد.

بنابراین اگر حاکم علی علیه السلام باشد، حکومت هم اسلامی، اما خواص و مردم به وظیفه خود عمل نکنند، حکومت اسلامی به اهداف خود نمی‌رسد. در کشور ما هم متأسفانه مشابه ماجرای حکمیت به وقوع پیوست و آن زمانی بود که در فتنه ۸۸ عده‌ای از خواص به وظیفه خود - در بصیرت‌افزایی مردم و اطاعت از رهبری - عمل نکردند که نتیجه آن، فریب عده‌ای از مردم شد و آمریکا که در یک قدمی شکست افزایش تحریم بر مردم بود، امیدوار شد و علت مشکلات کشور ناشی از ایستادگی در مقابل آمریکا و عدم مذاکره با او دانسته شد - برخلاف نظر صریح امام جامعه که حل مشکلات کشور را در ایستادگی در مقابل آمریکا و اجرا کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌دانستند و نتیجه آن، این شد که عده‌ای خوشبین به شیطان بزرگ - که قائل به سازش و مذاکره بودند - روی کار آمدند و به دشمن اعتماد کردند و به هیچ یک از شروطی که رهبر جامعه برای مذاکره قید نمودند، توجه نمودند. و نتیجه آن افزایش تحریم‌ها، خسارت‌های فراوان، تعطیلی بسیاری از مراکز هسته‌ای و کارخانه‌ها، خانه‌نشینی دانشمندان هسته‌ای، تورم‌های بی‌سابقه و در نهایت مشکلات فراوان معیشتی برای مردم و نارضایتی آنان شد و باز متأسفانه عده‌ای بی‌بصیرت مسئول تمام مشکلات را، ساختار حکومت و رهبر جامعه دانستند.

عدم ولایت‌پذیری

عدم ولایت‌پذیری از مهم‌ترین موانع بر سر راه حکومت علوی بود، به خاطر مواردی که توضیح داده شد مردم از علی علیه السلام تبعیت تام نداشتند و همین امر موجب شد که امیرالمؤمنین نتواند اهداف حکومت اسلامی را تحقق ببخشد. در کتاب *الفارسات* موارد زیادی از عدم اطاعت‌پذیری آمده است که به مواردی اشاره می‌شود:

الف) امیرالمؤمنین علیه السلام پس از صفین وقتی مردم کوفه - علیرغم دعوت بسیار آن حضرت - حاضر به جنگ با معاویه نشدند فرمود: ای بندگان خدا شما را چه شده است که وقتی شما را امر می‌کنم که جهاد کنید، به زمین می‌چسبید؟ آیا به حیات دنیا راضی شدید به جای آخرت؟ و به ذلت خواری به جای عزت تن داده‌اید؟ (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ج ۱، ۲۳).

ب) در جای دیگری با اشاره به سرپیچی کوفیان می‌فرماید: کار شما و شامیان شگفت‌آور است! امیر آن‌ها از امر خدا سرپیچی می‌کند؛ اما آنها از او اطاعت می‌کنند و امیر شما از خدا اطاعت می‌کند؛ اما شما از او نافرمانی می‌کنید! وقتی به شما می‌گوییم برای جنگ با دشمنان

حرکت کنید می‌گویید سرما نمی‌گذارد. آیا تصور می‌کنید دشمنان مثل شما سرما را احساس نمی‌کنند؟ (همان: ۲۷).

ج) عدم اطاعت‌پذیری مردم از امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین - در ماجرای حکمیت که بحث آن گذشت - ضربات جبران‌ناپذیری به جهان اسلام وارد ساخت که هنوز هم اثرات آن بر مسلمانان ادامه دارد.

د) پس از آن‌که عمرو عاص به دستور معاویه به مصر حمله کرد، امیرالمؤمنین علیه السلام بارها مردم را برای کمک به محمدبن ابابکر (فرماندار مصر) دعوت کرد اما مردم هیچ‌گونه همراهی با حضرت نکردند تا محمدبن ابابکر به شهادت رسید. امام علی علیه السلام که به جز خون دل خوردن کاری نمی‌توانست بکند، در این قضیه فرمود: از خدای تعالی می‌خواهم که برای من گشایش و راه نجاتی قرار دهد و مرا به زودی از دست آنها راحت کند. به خدا قسم، اگر نه این بود که آرزوی شهادت در رویارویی با دشمن را دارم و خودم را آماده مرگ در عرصه جنگ با آنها کرده‌ام، دوست داشتم که حتی یک روز هم با این مردم نباشم (همان: ۱۹۷).

در کشور ما نیز به جرأت می‌توان گفت علت بسیاری از مشکلاتی که به وجود آمد، به خاطر عدم اطاعت برخی از مردم و مسئولان از رهنمودهای ولی جامعه است. که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. حضور آمریکایی‌ها در خلیج فارس: وقتی که اولین ناو آمریکایی به خلیج فارس وارد شد مسئولین نگران به حضور حضرت امام رحمته الله علیه رسیدند، حضرت امام فرمودند: «چیز مهمی نیست نگران نباشید. پرسیدم: آقا چه کنیم؟ فرمودند: اگر من جای شما بودم وقتی سر و کله اولین ناو جنگی آمریکایی در آب‌های خلیج فارس ظاهر شد همان وقت آن را با موشک می‌زدم تا ناو دومی جرأت نکند بعد از او وارد خلیج فارس بشود» (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۴/۹/۲۳). اما متأسفانه به خاطر عدم تحقق این فرمایش امام، آمریکایی‌ها جرأت پیدا کردند و در خلیج فارس مستقر شدند.

۲. رواج آثار سوء فرهنگ غرب در کشور به وسیله تهاجم فرهنگی: در اوایل دهه هفتاد که دشمن در جنگ نظامی شکست خورده بود و به این نتیجه رسیده بود که علیه کشور باید تهاجم فرهنگی گسترده انجام دهد، رهبر انقلاب که بصیرتی بینظر دارد، این موضوع را بیان نمود و وظیفه مسئولان را در قبال تهاجم فرهنگی دشمن بیان نمود: دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که

دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک «تهاجم فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است (پایگاه خبری مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۴/۲۲). این جملات را رهبر عزیز انقلاب در سال هفتاد و یک که هنوز هیچ یک از آثار مخرب تهاجم فرهنگی بروز پیدا نکرده بود، بیان نمودند؛ اما هزار تأسف که مسئولین وقت در خواب عمیقی فرو رفته بودند و به بهانه سازندگی، از وظیفه سنگین خود در این مورد شانه خالی کردند؛ در نتیجه پس از مدتی آثار مخرب تهاجم فرهنگی در زمینه حجاب، اعتقادات و باورهای مردم نمایان گشت. متأسفانه این بی‌اعتنایی به رهنمودهای رهبری در زمینه تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی در دولت‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد تا جایی که الان شاهد هستیم برخی از زنان جامعه - هرچند اندک - علناً به ارزش‌های اسلامی دهن‌کجی کرده و کشف حجاب می‌کنند. آوردن سگ داخل منازل آپارتمانی و انس با آن، افزایش مصرف اعتیاد در جوانان، افزایش آمار طلاق و... از دیگر آثار مخرب تهاجم فرهنگی می‌باشد.

البته بیان این مطالب به معنای نادیده گرفتن کارهای فرهنگی صورت گرفته در کشور توسط مسئولین دلسوز نمی‌باشد. و همچنین به معنای این نیست که مردم نسبت به قبل بی‌ایمان‌تر شده‌اند بلکه بالعکس اعتکاف‌های چند صد هزار نفری جوانان و دانشجویان، راهپیمایی میلیونی اربعین، اردوهای جهادی و راهیان نور، تشیع ده‌ها میلیونی سردار دل‌ها، صدها شهید مدافع حرم، شلوغ‌تر شدن مکان‌های مذهبی و زیارتی و... بیانگر این است که سیر معنویت به طور کلی نسبت به دهه‌های قبل افزایش چشمگیر کمی و کیفی داشته است؛ اما نباید خسارت‌های جبران‌ناپذیری را که تهاجم فرهنگی - به خاطر کوتاهی عده‌ای از مسئولین در مبارزه با آن - به حجاب و فرهنگ مردم بالاخص جوانان عزیز کشور وارد ساخت، منکر شد.

۳. مشکلات معیشتی: اگر به فرامین مقام معظم رهبری در زمینه اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولیدات ملی توجه شده بود، امروز کشور شاهد قیمت‌های افسار گسیخته در زمینه مسکن و خودرو و کالاهای اساسی مردم نبود.

۴. اقتصاد مقاومتی: ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است... (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹/۶/۱۶) پس شما بیائید کاری کنید که کشور در مقابل تحریم‌ها مصونیت پیدا کند؛ اقتصاد مقاومتی یعنی این (همان، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷).

۵. حمایت از تولیدات ملی: همه سعی بکنند محصولات داخلی را مصرف بکنند، کارگر ایرانی را حمایت بکنند، کارگاه تولیدی داخلی را با مصرف کردن [محصول] آن رونق بدهند (پایگاه

خبری مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۱).

۵. خسارت ۱۰۰۰ میلیارد دلاری به کشور و تعطیلی کارخانجات و مراکز هسته‌ای و... در پی مذاکره با آمریکا: رهبر انقلاب اسلامی بارها تأکید کرده‌اند که به مذاکره با آمریکا خوشبین نیستند (خبرگزاری صداوسیما، ۱۳۹۷/۲/۱۹). وزیر امور خارجه در دولت دوازدهم که خود مسئول اصلی مذاکره با آمریکا است در مصاحبه تلویزیونی اعتراف کرد: آمریکا در برجام «یک تریلیون دلار (هزار میلیارد دلار) به ما خسارت وارد کرد» این خسارت بسیار سنگین ناشی از اطاعت نکردن از فرامین رهبری در عدم اعتماد و خوشبین نبودن به آمریکا می‌باشد.

۶. آشوب و فتنه در کشور: یکی از علل اصلی آشوب‌هایی که در این سال‌های اخیر در کشور به وجود آمد، فضای مجازی و شبکه‌های خارجی و معاند هست، که این هم به خاطر کوتاهی مسئولین مربوطه در دهه نود در نادیده گرفتن فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه اینترنت ملی می‌باشد:

شورای ملی فضای مجازی وظیفه دارد مرکز ملی فضای مجازی کشور را ایجاد نماید تا اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و خارجی در همه سطوح تحقق یابد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۲/۱۷).

۷. کاهش شدید فرزندآوری و میل به سمت پیری جمعیت: امروز اگر ما به فکر تکثیر نسل نباشیم، مسئله فرزندآوری را امروز اگر چنانچه برایش فکر نکنیم، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر، دیر خواهد بود؛ کشوری خواهیم شد که عنصر لازم برای حرکت پیشرفت را، یعنی جوان را، به قدر کافی در اختیار نخواهد داشت. امروز باید به فکر فردا بود (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).

اگر این فرمایش رهبری نیز توسط مردم و مسئولین بر زمین بماند، خطرات جبران‌ناپذیری در سال‌های آتی گریبان‌گیر کشور و مردم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با وجود دستاوردهای فراوانی که انقلاب اسلامی برای کشور به وجود آمد؛ اما هنوز برخی از آرمان‌های انقلاب اسلامی به خاطر موانعی، محقق نشده است. که این موانع در حکومت علوی نیز مانع تحقق اهداف اسلامی شد. عمده این موانع برمی‌گردد به عدم ولایت‌پذیری مسئولین و مردم از ولی جامعه به طوری که هر جا مشکلی در کشور وجود دارد - به جز جنگ و تحریم -

ریشه آن مشکل به عدم تبعیت تام از فرامین رهبری برمی‌گردد. حتی بی‌بصیرتی و دنیاطلبی و تغییر سبک زندگی مردم و آشوب فتنه که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به کشور تحمیل کرد به همین علت است. همان‌طور که در حکومت علوی نیز عمده مشکلات به این عامل برمی‌گردد. لذا برای رسیدن به قله‌های تعالی و پیشرفت باید مسئولین و مردم فرامین رهبری را سرلوحه کار خود قرار دهند. به همین دلیل بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌فرماید:

من به همه ملت، به همه قوای نظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش: ج ۱۰، ۵۸).

منابع

۱. ابن ابی الحدید، فخرالدین ابو حامد عبدالحمید (۱۳۸۷ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوافضل ابراهیم، مصر: دار احیاء الکتب العربیة.
۲. ابن الفقیه، احمد بن محمد (بی‌تا)، *اخیار البیان*، بی‌جا: عالم الکتاب.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۶۹ق)، *مشابه القرآن و مختلفه*، قم: دار بیدار للنشر، اول.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا)، *صحیح*، بیروت: دارالمعرفه.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷ق)، *انساب الاشراف*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، اول.
۶. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ق)، *الغارات*، محقق و مصحح: عبدالزهراء حسینی، قم: دارالکتب الإسلامی.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۸۷ش)، *تاریخ سیاسی اسلام*، قم: دلیل ما، هفتم.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهارم.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت: اعلمی، اول.
۱۰. دیار بکری، حسین (بی‌تا)، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس*، بیروت: دارالصادر، اول.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، محقق: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹ش)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، محقق: علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، پنجم.

۱۳. عسکری، سیدمرتضی (۱۳۹۵ش)، *معالم المدرستین*، بی‌جا: آثار سبز.
۱۴. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۷۷ش)، *تنزیه الأنبياء؟ عههم؟*، قم: دارالشریف الرضی، اول.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، محقق و مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، اول.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، مصحح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، دوم.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اول.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش)، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه، سوم.
۱۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ش)، *شرح کافی*، مصحح: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبه الإسلامیة، اول.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول*، محقق و مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، دوم.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۲. مظفر نجفی، محمد حسن (۱۴۲۲ق)، *دلایل الصدق لنهج الحق*، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵ش)، *صحیفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، ترجمه: حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، مصحح: ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الإسلامیة، چهارم.
۲۵. یعقوبی، احمد بن محمد بن واضح (۱۳۷۳ق)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر/ افسست قم.
۲۶. پایگاه خبری ایسنا: <https://www.isna.ir>
۲۷. پایگاه خبری صداوسیما: <https://www.iribnews.ir>
۲۸. پایگاه خبری مقام معظم رهبری: <https://www.leader.ir/fa>

۲۹. خبرگزاری دانشجو: <https://snn.ir>

۳۰. خبرگزاری فارس: <https://www.farsnews.ir/news>

۳۱. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

۳۲. روزنامه ایران: <https://www.pishkhan.com/rooznameh/Iran>

